

داشتن آموزان مناطق محروم چه مشکلاتی دارند  
و چرا در تحصیل خود کمتر موفقند؟

بسیاری از دانش آموزان این مناطق زیر بار  
سنگین مشکلات زندگی خم شده اند.

مهمترین انتظار دانش آموزان مناطق محروم  
از مسئولین مدرسه و از آموزگاران چیست؟

# اگر یک کسی به من دیکته می‌گفت



نمی دهند؟ آیا همانطور که اغلب معلمان ادعا می کنند عدم انجام تکالیف بخاطر تنبلی و بازیگوشی دانش آموز است؟ آیا آنان واقعا "از جریمه شدن، مورد توبیخ قرار گرفتن، اخراج از کلاس و تحقیر شدن رنج نمی برند؟ پس چگونه است که باوجود چشمهای گریان و چه—ره—پشیمان باز هم از آوردن تکالیف به مدرسه عاجزند؟

جواب این سؤال چندان مشکل نیست. تنها به مقداری کنجکاوی، حوصله و صرف وقت آموزگار نیازمند است. کنجکاوی درمورد اینکه چرا برخی از شاگردان باوجود برخورداری از "هوش نسبتا" عادی نمی توانند به همراه کلاس و پایای دیگران پیشرفت کنند.

معلمی که به سرنوشت شاگردان خود علاقمند باشد به این آسانی از کنار ماجرا نخواهد گذشت بلکه ابتدا مشکل را با روشن بینی تشخیص داده و سپس با درایت و تدبیر در رفع یا لااقل تخفیف آن خواهد کوشید.

\*\*\*

درسال گذشته در زمینه شناخت مشکلات تحصیلی کودکان مناطق محروم کشور تحقیقی در چند مدرسه ابتدائی (دخترانه) منطقه ای از جنوب شهر تهران که اهم ساکنان آنرا مهاجرین روسائیی تشکیل می دهند با همکاری چند تن از دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران انجام دادیم که در این مقاله به قسمتی از نتایج این تحقیق اشاره می شود. به ایس امید که درج این نتایج به شناخت بیشتر مریبان و آموزگاران زحمکش و دلسوز مناطق محروم کشور از مسائل و مشکلات خاص این کودکان کمک کند.

هرگاه معلمی از یکی از مناطق شمالی یا مرکزی شهر تهران به مناطق جنوبی که از امکانات کمتری برخوردارند انتقال یابد و در یکی از مدارس شلوغ و پرجمعیت آن نواحی به تدریس بپردازد، در وهله اول به غیر از شلوغ بودن و ازدحام شاگردان، از کمبود تمرکز آنان از نامرتبی تکالیف درس و درسیاری از مواقع از عدم انجام آن توسط تعداد زیادی از دانش آموزان متعجب و ناراحت خواهد شد.

بسیاری از این دانش آموزان که به تدریج دچار عقب ماندگیهای تحصیلی شده اند در پاسخ به اعتراض معلم درمورد عدم انجام تکالیف خود خواهند گفت که آنها را نوشته اما فراموش کرده اند به مدرسه بیاورند و یا با اینکه شب قبل دفتر خود را در کیفشان گذاشته اند اما انگار کسی آنرا برداشته است. اینان گاه ادعا می کنند درس خود را خوب حاضر کرده اما اکنون آنرا بکلی از یاد برده اند و حاضرند برای اثبات حرف خود قسمهای بخورند و اشکها بریزند.

اغلب معلمان این بهانه های معمول را باور نکرده، با تذکر، تهدید، جریمه و بافرستادن دانش آموز به دفتر مدرسه، نزد مدیر یا معاون سعی می کنند آنان را متوجه لزوم انجام تکالیف و اهمیت آن بکنند اما باوجود همه روشهای بکار گرفته شده، دانش آموزی که تکلیف انجام نمی دهد احتمالا "روز بعد و هفته بعد نیز بخاطر همین موضوع با معلم درگیری پیدا خواهد کرد و اگر هم تکالیف درسی اش را انجام دهد کیفیت کار و نحوه انجام آن در حدی که مورد رضایت آموزگار باشد نخواهد بود.

چرا این کودکان با وجود همه تلاشها و تمهیدات مسئولین مدرسه کار خود را انجام

چهره‌های رنگ بریده، بسیاری از آنان نمودار این نکته است که بارسنگینی که بردوش آنان گذارده شده اغلب با توانائی آنها مطابقت ندارد.

دراین مورد چندتن از شاگردان چنین اظهار عقیده کرده‌اند :

— به محض اینکه می‌خواهم سردرس بنشینم می‌گویند بلند شو برو ظرف هارا بشوی.

— باید از خواهران کوچکترم مراقبت کنم.

— وقتی از مدرسه به خانه می‌رسم تمام کارهای خانه با من است.

— مادرم دائم از من کاری کشد. اونمی —  
دارد به درسم برسم.



۲ — فضای ناکافی خانه و شلوغ بودن محیط زندگی

براساس صحت‌های این دانش‌آموزان اغلب آنان دریک یا دوطاق کوچک به همراه پدر و مادر و سایر افراد خانواده، خود سکونت دارند و لاجرم محیط شلوغ خانه‌ها، سروصدای فراوان و مزاحمت خواهران و برادران کوچکتر امکان انجام تکالیف و درس خواندن را از آنان می‌گیرد :

دراین تحقیق با ۱۱۰ نفر دانش‌آموزان ضعیف کلاسها که اغلب بخاطر بی توجهی سه درس، عدم انجام تکالیف و ناموفق بودن در تحصیل مورد بازخواست فرار گرفته برخی از آنان به عنوان کودکان منزوی و خاموش و برخی دیگر به عنوان دانش‌آموزان ناآرام و پرخاشگر از طرف آموزگاران خود معرفی شده بودند — مصاحباتی انجام گرفت و پرسشنامه‌هایی به کمک آنان تکمیل گردید.

این دانش‌آموزان که اغلب با صداقت و صراحت به‌سئالات پاسخ می‌دادند به مسایل متعددی اشاره کردند که ما صرفنظر از مشکلات خاص زندگی برخی از آنان، مشکلات کلی و مشترک را درجید دسته طبقه‌بندی کردیم :

۱ — اشتغال دانش‌آموز به کارمداوم درخانه  
۲ — فضای ناکافی و شلوغ بودن محیط زندگی

۳ — بیسوادی و گرفتاری اولیاء

۴ — کمبود ابزار و وسایل تحصیل

۵ — بیماری طولانی یکی از اولیاء

۶ — وجود اضطراب و نگرانی

۷ — خشونت درمحیط خانواده

۸ — مشکلات جسمانی دانش‌آموز

۹ — ترس از مدرسه، از معلم و ناتوانی در یادگیری مطالب درسی.

۱ — اشتغال به کاردرخانه

اکثرکودکانی که از نظر انجام تکالیف درسی دچار اشکال بودند دانش‌آموزانی هستند که موظفند قسمت اعظم وقت خود را درخانه با انجام کارهایی مانند نظافت و رسیدگی به امور خانه، خرید، پخت و پز، نگهداری برادران و خواهران کوچکتر بگذرانند. جته‌های کوچک و



۹ - نفر در یک اطاق زندگی می کنیم . من  
اصلاً " نمی توانم در خانه درس بخوانم .

- کسی در خانه به من نمی رسد . بچه ها  
ادبیتم می کنند و کتابچام را خط خطی و پاره  
می کنند ، برای همین در مدرسه دعوا می -  
کنند .

- ماهیگی در دو اطاق زندگی می کنیم .  
پدربزرگ و مادر بزرگم در یک اطاق و بدروم مادر  
و خواهر و برادرانم و من در یک اطاق دیگر .  
- اگر خاند ساکت بود می توانستم درس  
بخوانم .

### ۳ - بیسوادی و کربساری اولیا

نانوایی بسیاری از اولیا در کمک بد انجام  
نکالیف درسی کودکان و گرفتار بودن برخی از  
آنان که تمام روز در تلاش پیدا کردن لقمه ای  
نان برای سیر کردن سگم فرزندان متعدد خود  
هستند یکی دیگر از عواملی است که منجر به  
عقب افتادگی تحصیلی این دانش آموزان  
می شود :

- در خانه هیچکس نمی تواند به من کمک  
کند .

- برادرم دبیرستان می رود و گاهی بدروم  
مادرم به من درس می دهد اما همسند دعوا  
می کند .

- خواهرم کمی سواد دارد اما نمی خواهد  
به من درس بدهد .

- بدرم با کلاس سوم خوانده اما دیر رسد  
خاند می آید .

- اگر زن داداسم کمک می کرد شاید بهتر  
می شدم . . . . .

- اگر یک کسی به من دیکند می گفت . . . . .

### ۴ - کمبود وسایل تحصیلی

بعضی از دانش آموزان از نظر ابزار و وسایل  
تحصیلی در مضیقه اند و توانایی خود در انجام  
نکالیف درسی را محدودی ناشی از این  
کمبودها می دانند :

- کتاب فارسی ام مدتی است کم شده .  
نمیدانم چکار کنم ؟

- وقتی مداد یا قلم شکست می ترسم به  
بدر و مادرم بگویم دعوا می کنند .

- بدرم بدهی زیاد دارد . نمی توانم  
دوباره بخرم .

- برای کاردستی کاغذ رنگی و مقوا  
می خواستیم . من توانستم بخرم اما خانم  
فکر کرد بادم رسد ساورم و اوفاتس از دست من  
نلج شد .

– وقتی از پدرم پول برای لوازم مدرسه می خواهم نمی دهد و مرا ناراحت و دل آزرده می کند .

### ۵ – بیماری طولانی یکی از اولیاء

شرایط خاص خانهای که در آن بیماری بانبار به مراقبت زیاد بستری است و نگرانی خاص از دست دادن او یکی از عللی است که می تواند ذهن شاگرد را بخود مشغول داشته مانع درس خواندن او گردد . تعدادی از شاگردان در این مورد نوشته اند :

– بیماری مادرم خیلی ناراحتم می کند . نمی توانم درس بخوانم .

– پدرم سکنه کرده و نیمی از بدنش فلج است . بیشتر کارهای او را من انجام میدهم .  
– پدرم بیکار و مادرم در بیمارستان است .  
برادرم خرجی ما را می دهد .

### ۶ – وجود اضطراب و نگرانی

نگرانیها و ترسهای مبهم و آشکار ذهن بسیاری از این دانش آموزان را به خود مشغول می دارد :

– از هر چیزی زود ناراحت می شوم و گریهام می گیرد . دست خودم نیست .

– میترسم باز این ماه هم نتوانیم اجاره خانه را بدهیم و اسبابهایمان را بیکوقت به کوجه بریزند .

– پدرم در بیمارستان کار می کند و همیشه برای ما از آنهایی که تصادف کرده اند حرف می زند . سرکلاس فکرم پهلوی اوست . می ترسم بیکروز تصادف کند و دیگر به خانه نیاید .



– می ترسم برادر کوچکم را از دست بدهم .

### ۷ – خشونت در محیط خانواده

رفتار خشونت آمیز بسیاری از اولیاء با کودکان خود و وحشتی که این شاگردان از عدم رضایت اولیاء خود دارند اغلب آرامش ذهنی آنان را مختل می کند و مانع درس خواندن آنها می گردد :

– پدر و مادرم مرتب با من دعوا می کنند و مابیشتر وقتها به گریه می افتیم .

– پدرم اینقدر دعوا می کند که مادرم سکنه فلبی کرده است .

– وقتی نمره تک می گیرم نمی دانم چه کنم . می ترسم به پدر و مادرم بگویم و مرا کتک بزنند .  
– مادرم خیلی ادبم می کند . من از دست مادرم خیلی ناراحتم .

– داداشم و زن داداشم دائم باهم دعوا می کنند ، حتی به دادگاه هم رفته اند .

کردن برنامه درسی در زمان معین ، مشکلات خاص مدارس که در مناطق محروم واقعند بدون شک فشارهایی به معلمان وارد می آورد که روی رفتار و طرز برخورد آنان با دانش آموزان اثر می گذارد و گاه مانع می شود که دانش آموز در مقابل خود آموزگار صبور و پرحوصله ای بیابد که با درک مشکلات و کمبودهای وی مرهم گذارنده زخمهای او باشد . شاگردان در این مورد می گویند :

— خانم که عصبانی می شود خیلی می ترسم .

— من می ترسم مرا ردیف تنبلیها بنشانند  
— من می ترسم اگر سؤال کنم بگویند چرا  
دفعه اول گوش ندادی ؟

— هر وقت درس جدید می دهند هول می شوم .

— وقتی پای تخته صدایم می کنند قلبم



لطفاً " ورق بزنند

— به علت اینکه نمره بدگرفتم مادرم دستم را سوزاند .

— برادرم در همه کارهای من دخالت می کند و همیشه شکایت مرا به پدرم می کند تا پدرم با من دعوا کند .

— اگر در خانه به من خوبی می کردند می توانستم درس یاد بگیرم .

— ما پهلوی عمومی زندگی می کنیم . ما را خیلی دعا می کند .

## ۸ — مشکلات جسمانی

برخی از این دانش آموزان به بیماریها و ناراحتی های جسمانی خود اشاره کرده اند ، به مشکلاتی که اکثراً " با مراجعه به پزشک و پیگیری قابل علاج خواهد بود اما گرفتاری بابت توجهی اولیاء ، مشکلات اقتصادی ، تعداد زیاد فرزندان خانواده و مسائل مشابه مانع رسیدگی به موقع و توجه به ناراحتیهای جسمانی این کودکان می گردد . بعضی از دانش آموزان در این مورد اظهار داشته اند :

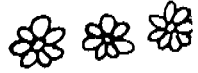
— تخته را خوب نمی توانم ببینم .  
— وقتی خانم حرف می زند خوب نمی فهمم .

— به تخته که نگاه می کنم چشم آب می افتد و سرم درد می گیرد .

— حواس پرتی ام بخاطر سردردم است .  
— وقتی خیلی می ترسم نمی توانم خودم را نگهدارم و خودم را خیس می کنم .

۹ — ترس از محیط مدرسه ، از معلم و ناتوانی در یادگیری مطالب درسی

کلاسهای شلوغ و پرجمعیت ، لزوم تمام



و آنها که بظاهر مشکلی ندارند

بعضی از دانش آموزان با اینکه بنظر می‌رسد زندگی پرمسأله و ناآرامی داشته باشند به‌علل مختلف و شاید از ترس بروز مشکل خانوادگی و برانگیختن خشم پیدرو و مادر سکوت اختیار کرده‌اند :

– نمیدانم چه بگویم .

– نه مشکلی که ندارم .

– مشکلات زیادی دارم ولی نمی‌توانم

بگویم .

\*\*\*

توجه آموزگاران و مسئولین مدارس به هریک از این مسائل که اکثراً " ریشه اقتصادی و فرهنگی دارد می‌تواند تا حدودی راهگشای برخی از مشکلات باشد . پرسشنامه‌های بعضی از کودکان نشان می‌دهد که آنان گاه زربار چند نوع از این مشکلات خم شده‌اند . اغلب این شاگردان

خیلی تند می‌زند و زیانم می‌گیرد .

– وقتی خانم یک شاگردی را که کارید کرده دعوا می‌کند من خیلی وحشت می‌کنم و دیگر اصلاً " درس را نمی‌فهمم .

– خانم صدمبار هم که تکرار کند باز نمی‌فهمم . نمیدانم شاید کم هوش باشم .

– درسهای حفظی را نمی‌توانم یاد بگیرم .

اصلاً " بلد نیستم چطوری درس حاضر کنم .

– همه اش در فکر این هستم که سال دیگر

بیایم مدرسه یانه . درس را نمی‌فهمم . مادرم

می‌گوید فایده ندارد .

– خانم باید به مبصر بگوید " نباید بنا

خط کش بچه‌ها را زد "

– معلم نباید آبروی شاگرد را جلوی همه

بریزد . باید یک جای تنها او را نصیحت کند .

– فکر نمی‌کنم قبول شوم ، درسم خیلی

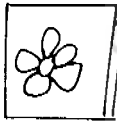
ضعیف است .





تشکیل شوراهائی درمدرسه برای بررسی مسائل دانش آموزان و استفاده از همکاری و همفکری همه معلمان مدرسه می تواند راهنمائی برای تخفیف مشکلات تحصیلی این کودکان باشد .

زرها حجازی



علاوه بر کمبودهای اقتصادی در ارضای بسیاری از نیازهایی که برای سلامت روان و رشد مطلوب یک کودک لازم است مانند نیاز به محبت ، نیاز به امنیت و آرامش ، نیاز به تشویق و تائید بزرگسالان ، نیاز به کسب تجربیات تازه ناکام مانده و از یک محیط گرم و آرامش بخش خانوادگی محرومند . بنابراین انتظار معلم از اینکه همه شاگردان کلاس بتوانند علیرغم همه این ناملازمات از عهده انجام تکالیف و مرور درسهای خود در خانه برآیند منطقی بنظر نمی رسد . مهمترین انتظاری که دانش آموزان این مناطق ( و بدون شک همه مناطق دیگر ) از مربیان خود دارند درک مشکلات آنان است . مربیان این مدارس باید بتوانند باروشن بینی و تدبیر خاص خود راهمائی به شاگردان پر مسأله خود نشان دهند که آنان بدون تحقیر شدن و مورد قضاوت قرار گرفتن ، بدون جریمه شدن ، اخراج از کلاس و برچسب خوردن ، تحت حمایت معلم خود در محیط مدرسه به رفع برخی کمبودهایی که در محیط زندگی با آن مواجهند بپردازند . در این مورد ، کمک گرفتن از شاگردان کلاسهای بالاتر از شاگردان قوی کلاسها ، صرف وقت اضافی برای این قبیل دانش آموزان ، دیداری از خانه و محیط زندگی آنان و صحبت و راهنمائی اولیاء

روز معلم بر همه مربیان و معلمات مبارک باد